



## رعایت حقوق متهم مبتنی بر موازین حقوق بشری در مرحله، تحقیقات مقدماتی در حقوق ایران



دکتر مهدی رئیسی  
وکیل پایه یک دادگستری  
عضو هیئت علمی دانشگاه

محسن رضازاده عسگری  
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری  
و جرم شناسی

محمد آزادی فرد  
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری  
و جرم شناسی

### چکیده

مرحله تحقیقات مقدماتی به عنوان نخستین گام در فرآیند دادرسی کیفری، نقش کلیدی در تأمین عدالت و حفظ حقوق متهم ایفا می کند. در این مرحله، متهم در برابر قدرت حاکمیت قرار می گیرد و حقوق و آزادی های او ممکن است در معرض نقض قرار گیرد. از این رو، رعایت موازین حقوق بشری برای تضمین برخورداری متهم از یک دادرسی عادلانه ضروری است. حقوق بشری در این زمینه بر اصولی نظیر احترام به کرامت انسانی، عدالت، برابری، و حق دفاع تأکید دارد. در این مرحله، رعایت موازین حقوق بشری برای جلوگیری از نقض حقوق و آزادی های متهم، به ویژه در برابر قدرت حاکمیت، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نظام حقوقی ایران با تأسیس قوانینی همچون قانون آیین دادرسی کیفری و توجه به تعهدات بین المللی خود، تلاش کرده است تا اصول حقوق بشری مانند حق دسترسی به وکیل، حق سکوت، حق تفهیم اتهام، حق تماس با خانواده، حق تشکیل پرونده شخصیت، و حق دسترسی به پزشک را تضمین کند. نتایج نشان می دهد که علی رغم پیشرفت های قانونی، موانع اجرایی و نارسایی های موجود، مانع از تحقق کامل این حقوق در عمل شده است.



کلیدواژه‌ها: حقوق متهم، موازین حقوق بشری، تحقیقات مقدماتی، دسترسی به وکیل، حق تفهیم، تشکیل پرونده شخصیت.

## مقدمه

رعایت حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی دادرسی عادلانه، نقش به‌سزایی در تضمین عدالت کیفری و جلوگیری از تضییع حقوق افراد ایفا می‌کند. این مرحله، نخستین گام در فرآیند کیفری است که می‌تواند بر سرنوشت متهم و همچنین اعتماد عمومی به نظام عدالت تأثیرگذار باشد. در این مرحله، متهم در مواجهه مستقیم با قدرت حاکمیت قرار دارد، و عدم توجه کافی به حقوق او می‌تواند منجر به نقض اصول بنیادین حقوق بشر، از جمله حق دفاع، کرامت انسانی، و امنیت قضایی شود. تحقیقات مقدماتی یکی از مهمترین مراحل دادرسی کیفری است؛ این مرحله از این جهت واجد اهمیت است که مهمترین دلایل و نزدیکترین آن‌ها به زمان وقوع جرم، در طی آن تحصیل خواهند شد. لذا دلایل تحصیل شده در این مرحله می‌توانند در سرنوشت پرونده و حکم نهایی آن نقشی بنیادین را ایفا نمایند (عندلیب و آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۸: ۲۱۵).

انسان دارای کرامت ذاتی است و به‌موجب این ویژگی، به‌صرف انسان بودن، دارای حقوق غیرقابل سلب است که و ویژگی‌هایی از قبیل جنس، رنگ، عقیده و ملیت در بهره‌مندی از آن‌ها دخالتی ندارد. شناسایی حقوق متهم توسط دولت‌ها و به‌کارگیری مکانیزم‌های حقوقی برای حمایت از آن، لازم است، ولی به‌تنهایی کافی نیست. جنبه‌های حقوقی موضوع، یک بعد قضیه است و بُعد مهم‌تر جنبه‌های فردی و انسانی و آزادی‌های مشروع وی، شرایط و لوازم متناسب خود را دارد و مهم‌ترین حقوق شناخته‌شده برای متهم است که با دفاع در مقابل اتهام ارتباط دارد و در مرحله تحقیقات مقدماتی نمود پیدا می‌کند. در این قسمت از مقاله به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

پرسش اصلی این است که نظام حقوقی ایران تا چه حد توانسته است حقوق متهم را در مرحله تحقیقات مقدماتی مبتنی بر موازین حقوق بشری تضمین کند و چه حقوقی را برای متهم در نظام دادرسی پذیرفته است؟



## ۱. حق حضور و دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

حق برخورداری متهم از حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی، از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی، یکی از اصول بنیادی در حقوق بشر و نظام‌های قضایی است. این حق تضمین‌کننده عدالت و رعایت حقوق دفاعی متهم است و نقش کلیدی در جلوگیری از نقض حقوق بشر و سوءاستفاده‌های احتمالی در فرآیند تحقیقات کیفری دارد. در حقوق ایران، این موضوع در پرتو قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی کشور، پذیرفته شده است. هرچند از لحاظ تاریخی، حق متهم به استفاده از خدمات وکیل در دادسرا دیرتر از دادگاه‌ها مورد قبول قانون‌گذاران قرار گرفته است، که این خود ریشه در نظام تفتیشی حاکم بر تحقیقات مقدماتی در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی دارد؛ ولی در حال حاضر، باتوجه به ترافعی شدن بیش‌ازبیش تحقیقات مقدماتی از یک سو، و عدم توانایی بسیاری از متهمان در ارائه دفاعیات مناسب از سوی دیگر، و نیز موارد گوناگون اشتباهات قضایی و تضییع حقوق متهمین در این مرحله از دادرسی که خود موجب اطاله دادرسی کیفری می‌شود، توجه قانون‌گذاران به اهمیت و ضرورت حضور وکیل و نقش مؤثر آنان در این مرحله و تحقیقات پلیسی جلب شده است (محبی، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۳).

برخلاف ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برابر ماده ۱۹۰، متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی از حق داشتن وکیل برخوردار است. در این ماده مقرر شده است: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگه احضار به قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.»

ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، از مواد طلایی مقرر در قانون است که منطبق با اصول

۱. باتوجه به ماده، متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی فقط یک نفر وکیل می‌تواند همراه خود داشته باشد. به نظر می‌رسد منظور این است که فقط یک نفر از وکلای تعیینی متهم می‌تواند در جلسه تحقیقات همراه وی باشد، نه اینکه متهم نتواند بیش از یک نفر وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی داشته باشد (خالقی، ۲۳۲: ۱۳۹۶).



حقوق بین الملل بشر است و در قانون سابق، به ترتیب مزبور مقرر نشده بود. همچنین، طبق ماده ۳۷۱ این قانون، «قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می شود و دادستان یا نماینده وی نیز می تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است».

همچنین در حقوق ایران، اصل ۳۵ قانون اساسی بر حق بهره‌مندی طرفین دعوا از وکیل تأکید دارد. همچنین، ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به متهم اجازه می دهد که در مرحله تحقیقات مقدماتی، از حضور وکیل برخوردار شود. این ماده حضور وکیل را حقی می داند که حتی پیش از تشکیل دادگاه، برای متهم محفوظ است. با این حال، تبصره ماده ۴۸ محدودیتی ایجاد کرده است که طبق آن، در جرایم خاصی نظیر جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی یا سازمان یافته، در مرحله تحقیقات مقدماتی متهم باید وکیل خود را از میان وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه انتخاب کند. این محدودیت، به ویژه از منظر حقوق بشری، مورد انتقاد قرار گرفته و با اصول بین المللی حق دفاع مغایرت دارد.<sup>۲</sup>

حضور وکیل مدافع در مرحله تحت نظر، مقرر شده است که در قانون سابق، صراحتاً مشخص نشده بود. تا قبل از تصویب این قانون در حقوق ایران، نیروهای انتظامی همانند قضات تحقیق، الزامی به اعلام حقوق شخصی تحت نظر، از جمله حق داشتن وکیل نداشتند. با این حال، قانون گذار در قانون ۹۲، صراحتاً این تکلیف را در ماده ۵۲ این قانون

۲. ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری همه اشخاص حاضر در این مرحله (از جمله وکلا) را موظف به حفظ اسرار کرده و در صورت تخلف، آن‌ها را به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای موضوع ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تهدید کرده است، و از سوی دیگر، وکیلان با ادای سوگند حرفه‌ای در مراسم تحلیف، خود را پای‌بند امانت و عدالت کرده‌اند، چندان که در صورت تخلف از لوازم این سوگند، با دادسرا، دادگاه و ضمانت اجرای انتظامی هم روبه‌رو میشوند. از همه مهمتر، وکلا تمام مراحل گزینشی معمول و متعارف در جمهوری اسلامی را طی کرده‌اند و با توجه به موارد یادشده، تبصره پیش گفته غیر ضروری و مغایر با روح دادرسی عادلانه به نظر می‌رسد. همچنین اعمال این تبصره ممکن است منجر به نوعی تفاوت گذاری بین وکلای عضو کانون وکلای دادگستری عضو غیر دولتی خانواده حقوقی و وکلای عضو «مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه (عضو دولتی جدید خانواده حقوقی) نیز بشود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۵: ۴۷۲).



برعهده ضابطان دادگستری قرار داده است. به موجب این ماده، هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفاند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم کنند و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافتی را ضمیمه پرونده نمایند. پس از آنکه حق داشتن وکیل به شخص تحت نظر، تفهیم شد، وی می تواند با شروع تحت نظر قرار گرفتن، تقاضای حضور وکیل نماید (خالقی، ۴۲۷: ۱۳۹۶).

وکیل شخص تحت نظر بایستی با رعایت محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات با شخص تحت نظر ملاقات کند و این تکلیفی است که قانون گذار بر عهده وکیل قرار داده است. از طرف دیگر، ملاقات با متهم، حداکثر می تواند یک ساعت طول بکشد و بیشتر از یک ساعت وکیل چنین حقی ندارد. در پایان ملاقات، وکیل می تواند ملاحظات خود را که می تواند شامل لایحه دفاعیه نیز باشد، برای درج در پرونده ارائه نماید.

بدین ترتیب، نقش حقوق متهم و وکیل مدافع در قانون ۹۲ بسیار پررنگ شده است و مقرر داشتن مواد مزبور در راستای تضمین حقوق اساسی اشخاص پیش بینی شده است. رعایت حقوق جامعه، بزه دیده، و متهم از اهم اهداف اجرای قانون ۹۲، مقرر در ماده ۱ آن بوده که از لوازم اعمال ماده ۷ از قانون آیین دادرسی کیفری، ناظر بر بند ۳ از ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ است، که با ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مقید شده است.

حق برگزیدن «وکیل تعیینی» و حق داشتن «وکیل تسخیری و معاضدتی»، بیانگر اهمیت نقش وکیل در تعیین سرنوشت احقاق حقوق در جامعه و اثر انکارناپذیر آن در دادرسی منصفانه و مبتنی بر عدالت است که در قانون ۹۲ بدان تأکید شده است.

از مهم ترین تحولات ایجادی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، این است که به محض اینکه شخصی به عنوان متهم تحت نظر قرار گرفت، می تواند «درخواست ملاقات با وکیل مدافع» را داشته باشد. در این ملاقات که نباید پیش از یک ساعت به طول بینجامد، لازم است به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات دقت شود و در پایان وکیل مدافع می تواند نکاتی که تأمین کننده حقوق موکلش باشد را کتباً برای درج در



پرونده ارائه نماید (ماده ۴۸ ق.آ.د.ک).

اما اگر شخصی به علت ارتکاب یکی از جرایم سازمان یافته یا جرایم علیه امنیت کشور، سرقت، مواد مخدر و روان گردان، یا جرایم موجب مجازات، سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل، یا بیش از آن، تحت نظر قرار بگیرد، امکان ملاقات با وکیل را تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن ندارد (تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک).

با وجود این، نکته‌ای که شروع تحولی روبه‌رشد را در نظام کیفری کشور برای جامعه رقم زد، تکلیف ابلاغ و تفهیم «حق همراه داشتن وکیل» به متهم از سوی بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی است که این تکلیف باید قبل از شروع تحقیقات، توسط بازپرس انجام شود. به طوری که حتی باید این حق در برهه احضاریه نیز قید و به متهم ابلاغ گردد و وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. این اظهارات در صورت مجلس نوشته می‌شود (ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک). بنابراین تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، با تقویت مداخله و حضور وکیل ملازمه دارد، و فرد اعلامی تضمین این حقوق به شمار می‌رود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با فاصله گرفتن از نظام تفتیشی و گرایش به نظام ترافعی در مرحله تحقیقات مقدماتی، گام بلندی در رعایت و تضمین حقوق طرف‌های کیفری بالاخص متهم برداشته است (عندلیب و آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۸: ۲۲۹).

حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، یکی از ارکان اصلی دادرسی عادلانه و ابزاری مؤثر در جهت رعایت حقوق متهم است. قوانین ایران اصولاً این حق را به رسمیت شناخته، اما با وجود برخی محدودیت‌ها، نیاز به اصلاحاتی برای تطابق بیشتر با موازین حقوق بشری دارد. تضمین دسترسی آزادانه و بدون محدودیت متهمان به وکیل، به‌ویژه در جرایم حساس، می‌تواند گامی مؤثر در راستای حفظ حقوق متهم و افزایش عدالت کیفری باشد.



## ۲. حق دسترسی به اوراق پرونده

در نظام حقوقی ایران بعد از انقلاب و تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در واقع به لحاظ روح تفتیشی حاکم بر دادرسی‌های کیفری، تقریباً حق دسترسی متهم به محتویات و اطلاعات پرونده به‌عنوان یکی از حقوق دفاعی لازم در راستای دادرسی عادلانه و البته در کنار موارد مشابه دیگر، آن‌چنان توجه نشده بود.

یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول حاکم بر دادرسی منصفانه، حق دسترسی است که این حق در قوانین نظام‌های دادرسی مترقی گنجانده شده و بدون هیچ‌گونه محدودیتی، در تمامی مراحل فرآیند رسیدگی به پرونده اعمال می‌گردد. در واقع، بدون وجود حق دسترسی، دستیابی به اصول بنیادین دیگر از قبیل تساوی سلاح‌ها، بی‌طرفی و ترافی شدن امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر، از مجرای چنین حقی است که اجرای اصول دیگر آیین دادرسی کیفری میسر خواهد شد (احسان‌پور و قلی‌پور جمنانی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

با این اوصاف، دسترسی شاکی یا وکیل او به اوراق پرونده از بدیهیات است، اما قانون‌گذار برای متهم در این مورد محدودیت قائل شده است. دربارهٔ حق متهم برای دسترسی به اوراق پرونده، قانون‌گذار موضع جدیدی اتخاذ نموده و چنین مقرر کرده که چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود. و ظرف سه روز، قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند. تصمیم دادگاه قطعی است (خالقی، ۲۱: ۱۳۹۶). قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین، ضمن فاصله از نظام دادرسی تفتیشی، تحولات مهمی را در این حوزه به‌همراه داشته است. در این قانون، به لحاظ حاکم بودن دادرسی مختلف و اصول و مقررات این نظام، قانون‌گذار در مواد ۱۹۱ و ۳۵۱ و سایر مواد متفرقهٔ دیگر، حق



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

دسترسی متهم به محتویات و اطلاعات پرونده را با نگاه به مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی و صدور حکم اصول و مقررات حاکم بر این مراحل لحاظ کرده است. در حقوق ایران به حق دسترسی به محتویات پرونده تأکید شده است، اما این حقوق با محدودیت‌هایی مواجه است که اصل دادرسی عادلانه را مخدوش می‌سازد، چراکه دسترسی به محتوای پرونده، منوط به صلاحدید بازپرس پرونده است. این در حالی است که چنین محدودیت‌هایی در حقوق کیفری فرانسه مطرح نیست. حتی در جرایم سازمان یافته، حق دسترسی به محتویات پرونده محدود نشده است (صداقت‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۹).

بنابراین، حق دسترسی به اوراق پرونده، یکی از حقوق بنیادین متهم در فرآیند دادرسی است که ارتباط مستقیمی با اصل دادرسی عادلانه دارد. در حقوق ایران، این حق به رسمیت شناخته شده است، اما محدودیت‌هایی که در مرحله تحقیقات مقدماتی اعمال می‌شود، می‌تواند چالشی برای رعایت اصول حقوق بشری باشد. برای بهبود وضعیت، باید شفافیت بیشتری در اعمال محدودیت‌ها ایجاد شود و قوانین داخلی با موازین حقوق بشری بین‌المللی هماهنگ شوند.

### ۳. حق سکوت متهم

حق سکوت متهم یکی از اصول بنیادین در دادرسی عادلانه است که به متهم اجازه می‌دهد از پاسخ به پرسش‌های بازجو یا مقامات تحقیقاتی که ممکن است علیه خودش استفاده شود، خودداری کند. این حق در نظام‌های حقوقی مدرن به ویژه با توجه به موازین حقوق بشری و اصل منع اجبار به خوداتهامی، به رسمیت شناخته شده است. در حقوق ایران، این اصل با محدودیت‌ها و چالش‌هایی مواجه است که نیازمند تحلیل و تطبیق با استانداردهای حقوق بشری است.

برای تضمین عادلانه و منصفانه بودن دادرسی نسبت به انسانی که به اتهام ارتکاب جرم به چرخه قضایی وارد شده، حقوق دفاعی خاصی مورد شناسایی قرار گرفته است که می‌توان آن‌ها را حقوق دادرسانه بشر نامید. از جمله این حقوق، حق بی‌پاسخی یا حق سکوت متهم در برابر پرسش‌گری مقام ذی‌صلاح است (حبیب‌زاده و صادقی، ۱۳۹۵: ۶۱).



از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم که در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی اکثر کشورها، از جمله ایران و جمهوری خلق چین به صورت تصریحی یا تلویحی مورد تضمین قرار گرفته است، حق سکوت متهم در برابر پرسش‌گری یک مقام قانونی و حق منع اجبار به خودمجرمانگاری و ممنوعیت ارائه ادله بی‌گناهی خود، از مصادیق یک دادرسی منصفانه است. طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران حق سکوت به صراحت پذیرفته شده است، اما در مورد حق منع خودمجرمانگاری مقرر قانونی وجود ندارد و این موضوع مورد اختلاف حقوق دانان داخلی است (فلاح‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۱).

متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت، مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود. حق سکوت که از اصول اولیه حقوق متهم است، بایستی توسط بازپرس به وی تفهیم شود که خوشبختانه قانون‌گذار در ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به این امر اشاره کرده است: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت، مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.»

متهم مجبور به پاسخ‌گویی به سؤالات بازپرس نیست و این همان حق سکوت متهم است که صراحتاً در این ماده پیش‌بینی شده است. لازم‌به‌ذکر است که حق سکوت به صورت ضمنی در قانون اساسی در اصل ۳۷ با ممنوعیت اجبار اشخاص به اقرار پذیرفته شده است. سابقاً مقام قضایی، تکلیفی به اعلام حق سکوت به متهم نداشت. این در حالی است که امروزه در بسیاری از قوانین آیین دادرسی کیفری کشورهای مترقی، حق سکوت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم، به‌عنوان تکلیفی نه‌تنها برای مقام تحقیق، بلکه برای پلیس و از همان آغاز تحت‌نظر قرار گرفتن متهم، منظور شده است. گفتنی است که قانون‌گذار تکلیف به اعلام حق سکوت را صراحتاً در این ماده مقرر نکرده است، ولی با توجه به ماده ۶ قانون مذکور باید گفت که مقام تحقیق، مکلف به اعلام حق سکوت به متهم است. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «متهم و... باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند...». ولی ضمانت اجرایی برای عدم اعلام این حق به متهم، پیش‌بینی نشده است (مه‌بادی، ۱۳۵: ۱۳۹۳).



حق سکوت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه مرحله تحقیقات مقدماتی به دلیل فشارهای روانی و گاه فیزیکی بر متهم، می‌تواند منجر به اعترافات نادرست شود. حق سکوت مانع از آن می‌شود که متهم صرفاً بر اساس اعتراف تحت فشار محکوم شود و مقامات تحقیقاتی ممکن است از قدرت خود برای اخذ اقرار استفاده کنند. حق سکوت ابزاری برای کنترل این سوءاستفاده است.

#### ۴. حق تماس با خانواده

ضرورت کاستن از اضطراب و دل‌نگرانی‌های اعضای خانواده افراد بازداشت‌شده و پیامدها و مخاطرات ناشی از عدم اطلاع آنان از دستگیری و محل نگهداری متهمان بازداشت‌شده، موجب شده است برخی از اسناد بین‌المللی مانند «اصول حمایت از افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان» و «قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان» و همچنین برخی از نظام‌های دادرسی کیفری، مانند انگلستان و فرانسه، حق متهم نسبت به مطلع ساختن اعضای خانواده یا خویشاوندان را به رسمیت بشناسند (فرجی‌ها و مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۹). نظام عدالت کیفری تنها بزهدکاران را هدف مجازات قرار می‌دهد و با افراد بزه‌ناکرده کاری ندارد؛ اما ماهیت رسیدگی‌های کیفری به‌گونه‌ای است که اشخاص دیگر از جمله خانواده متهمان را نیز درگیر خواهد کرد. همین امر قانون‌گذاران را به سمت وسوی در نظر گرفتن حقوقی خاص برای این اشخاص، در فرایند کیفری و به‌ویژه تحقیقات مقدماتی سوق داده است تا از گزند بسیاری از آسیب‌های دادرسی به‌دور باشند. قانون‌گذار ایران نیز با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، گام‌های جدی و جدیدی را در راستای پذیرش حقوق خانواده متهم برداشته است. حق اطلاع از دستگیری، حق درخواست معاینه پزشکی، حق ملاقات با متهم، حق عدم تعرض به مسکن و امور خانوادگی و حق حمایت در برابر تهدید و خطر، از جمله مهم‌ترین این حقوق است.

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه منبع اصلی اقتباس قانون‌گذار در این موارد بوده است و به همین علت، توجه به رویکرد نظام حقوقی این کشور که در پرتو تحولات حقوق بشر اصلاح و تکمیل شده است، ضرورت می‌یابد. به هر روی، اجرای این حقوق در وهله اول مستلزم آگاهی دارندگان آن، یعنی خانواده‌ها است که در اغلب موارد سازوکار و



ضمانت اجرای دقیقی برای آن تعریف نشده است (مؤذن‌زادگان و جهانی، ۱۳۹۴: ۱۵۹). افراد پس از بازداشت باید بتوانند بلافاصله با افراد خارج از محل بازداشت، اعم از اعضای خانواده و دوستان، پزشک مترجم، وکیل و مقام قضایی صالح ارتباط برقرار کنند و آن‌ها را از وضعیت خویش مطلع نمایند. در غیر این صورت، از حق برقراری ارتباط با دنیای خارج از محل بازداشت محروم شده‌اند.

بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به این موضوع تصریح نموده و مقامات اعم از قضایی و انتظامی را به فراهم کردن زمینه آگاهی خانواده فرد بازداشت‌شده از موضوع مکلف نموده است. در ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از موضوع تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلف‌اند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند. مگر آنکه بنا بر ضرورت تحقیقات، تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چین حقی استفاده کند. در این صورت، باید مراتب را جهت اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.» (خالقی، ۱۳۹۶: ۱۸۲).

در جریان قرار گرفتن خانواده دستگیرشدگان هم در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (بند ۵ ماده واحده) و هم در این ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار گرفته است. در همین راستا، این حقوق برای شخص تحت نظر وجود دارد که به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن دیگری، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند. ماده این تکلیف را بر عهده ضابطان قرار داده که مساعدت لازم را با متهم برای اجرای این حق خود به عمل آورند. این تکلیف استثنایی دارد و آن اینکه چنانچه بنا بر ضرورت، تشخیص دهند که شخص نباید از این حق استفاده کند (مثل بیم تبانی یا فرار سایر همدستان)، باید از مقامات قضایی صالح کسب تکلیف نمایند (کوشکی، ۱۳۹۵: ۵۲۳).

بنابراین، حق تماس متهم با خانواده یکی از حقوق انسانی و قانونی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی اهمیت فراوانی دارد. این حق، علاوه بر کاهش فشارهای روانی بر



متهم، ابزاری برای پیشگیری از نقض حقوق وی و حفظ کرامت انسانی است. در حقوق ایران، اگرچه اشاراتی به این حق وجود دارد، اما نبود تصریح قانونی و چالش‌های اجرایی مانع از تحقق کامل آن شده است. اصلاح قوانین، آگاهی‌بخشی، و هم‌سوسازی با موازین بین‌المللی می‌تواند در تضمین این حق نقش مؤثری ایفا کند.

## ۵. حق دسترسی به پزشک

حق دسترسی به پزشک یکی از حقوق بنیادین انسانی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی برای حفظ سلامت جسمی و روانی متهم ضروری است. این حق نه تنها بخشی از کرامت انسانی است، بلکه تضمینی برای رعایت موازین حقوق بشری در فرآیند عدالت کیفری به شمار می‌آید. در نظام حقوقی ایران، این حق به‌طور محدود به رسمیت شناخته شده و نیازمند توجه بیشتر برای هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر است. به‌منظور حمایت بیشتر از اشخاص و متهمان تحت‌نظر و در راستای هموار نمودن عوامل ارتباطی ایشان، یکی از موارد تضمینی که می‌تواند موجب انسداد عملکرد احتمالی ضابطین شود، تقاضای فرد برای معاینات پزشکی است. این حق به‌عنوان یک تضمین در برابر شکنجه و رفتار غیرانسانی در میان دیگر موارد، مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌علاوه، بخش مهمی از وظیفه مأمورین، ضرورت رعایت احترام به حیثیت ذاتی فرد و کرامت انسانی اشخاص است. مقررات کشور ما در زمینه حق برخورداری از معاینات پزشکی، فاقد تصریح است، ولی می‌توان از بین مندرجات چند ماده قانونی، به‌طور ضمنی این حق را استخراج نمود. بدین نحو، اگر متهم تحت‌نظر دچار بیماری روانی و جنون شود، در اجرای ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با جلب نظر متخصص، می‌توان وی را تا رفع بیماری و حالت خطرناکی در محل مناسبی نظیر مراکز درمانی و بیمارستان‌ها و آسایشگاه‌های روانی، نگهداری نمود.

اما اگر متهم حین نگهداری تحت‌نظر، به بیماری دیگری غیر از بیماری‌های روانی مبتلا شود، می‌توان با وحدت ملاک و تنقیح مناط مواد ۵۰۲ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، استفاده نموده و بدین نحو عمل نمود که اگر نگهداری متهم در تحت‌نظر گاه موجب شدت بیماری و تأخیر در بهبودی وی شود، به تشخیص پزشک،



متهم در مکان مزبور یا بیمارستان تحت نظر ضابطین دادگستری معالجه شود. ماده ۱۳۶ قانون مرقوم نیز در این خصوص قابل توجه است.

در مقررات بین‌المللی نیز این وضع پیش‌بینی شده است. به موجب اصل ۲۴ مجموعه اصول حمایت از همه افراد، تحت هرگونه اشکال بازداشت یا حبس، مصوب مجموع عمومی سازمان ملل (۱۹۹۸ میلادی)، «معاینات پزشکی تا حد امکان، سریعاً بعد از ورود فرد به مکان بازداشت یا زندان، باید صورت گیرد و لذا مداوا و مراقبت پزشکی هر زمان که لازم باشد، فراهم شود. این مراقبت باید رایگان باشد.» همچنین قاعده ۲۴ و ۳۵ قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان مصوب سازمان ملل (۱۹۹۵ میلادی) نیز ناظر بر همین معناست.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقنن صراحتاً از حق برخورداری از معاینات پزشکی در ماده ۵۱ اشاره میکند: «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان، شخص تحت نظر را معاینه می‌کند. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود. خودداری از انجام این تکلیف توسط ضابطان دادگستری موجب محکومیت مذکور در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای آن‌ها خواهد بود.

آوردن این ماده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نشان‌دهنده توجه مقنن به حفظ سلامت فرد تحت نظر و رعایت حقوق وی است، که به خوبی به آن اشاره شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با توجه به عدم پیش‌بینی تمدید مدت تحت نظر درباره الزام به معاینه پزشکی یا انجام معاینه در زمان‌های تحت نظر در اماکن پلیس بیش از ۲۴ ساعت، ساکت است و به این موضوع صرفاً به صورت یک حق اختیاری برای فرد در ابتدای تحت نظر اشاره نموده است.

این حق در ماده ۳-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه آمده است: «هر شخص تحت نظر می‌تواند به درخواست خود، توسط یک پزشک منتخب دادستان جمهوری یا پلیس افسر قضایی مورد معاینه قرار گیرد... در هر زمان دادستان یا افسر پلیس قضایی می‌تواند راساً یک پزشک برای معاینه شخص انتخاب کند.»



قانون‌گذار فرانسوی در کنار اعطای حق مذکور به شخص تحت نظر، به دادستان جمهوری (شهرستان) یا افسر پلیس قضایی نیز این اختیار را داده که در هر زمان نسبت به تعیین پزشک و معاینه شخص تحت نظر اقدام نماید (سالاری و حسینی، ۱۴۰۱: ۷۶). بنابراین، حق دسترسی به پزشک یکی از الزامات مهم رعایت حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی است که در نظام حقوقی ایران به صورت محدود شناسایی شده است. این حق، علاوه بر حفظ سلامت جسمی و روانی متهم، از نقض حقوق وی جلوگیری کرده، به رعایت اصول دادرسی عادلانه کمک می‌کند. اصلاح قوانین، تقویت امکانات، و نظارت بر اجرای این حق می‌تواند گامی مؤثر در راستای هم‌سوسازی حقوق ایران با موازین حقوق بشری باشد.

## ۶. حق تفهیم اتهام به متهم

حق تفهیم اتهام به متهم یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی و قانونی در فرآیند دادرسی عادلانه است. این حق تضمین می‌کند که متهم از دلایل، ماهیت و جزئیات اتهامات وارد شده به خود مطلع شود تا بتواند از خود دفاع کند. در موازین حقوق بشری، این حق به طور گسترده به رسمیت شناخته شده و در بسیاری از معاهدات بین‌المللی و اسناد حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران، این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی دارای جایگاه قانونی است، اما اجرای آن با چالش‌هایی روبه‌رو است. تعاقب وقوع جرم و آغاز رسیدگی کیفری، پس از احراز هویت، از حقوق انکارناپذیر هر کس در مقام متهم، اطلاع از اتهام، تحت عنوان «تفهیم اتهام» است که از آثار آن، دفاع متهم و اتخاذ تأمین کیفری توسط مقام قضایی است. تفهیم اتهام توسط ضابطان در جرایم مشهود و مقام قضایی، ابتدا در تحقیقات مقدماتی و سپس در محکمه به عمل می‌آید. در تفهیم اتهام، صرف اعلام عنوان جرم به متهم رفع تکلیف نمی‌کند، بلکه لازم است که متهم از جرم ارتكابی آگاه شود، لذا عنداللزوم باید عناصر جرم به متهم تفهیم گردد (فتحی، ۱۴۰۳).

در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است: «ضابطان دادگستری مکلف‌اند نتیجه اقدامات خود را فوراً به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات



انجام‌شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان، تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوراً برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.»

همچنین در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.» حق اطلاع متهم از اتهام خود و ادله آن و نیز حق وی به دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی خود، محدود به مکان و نزد مقامی خاص نبوده و در سریع‌ترین زمان ممکن، چه نزد ضابطین باشد و چه نزد مقام قضایی، باید فراهم گردد (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۸). بنابر به‌کارگیری قانون‌گذار از لفظ «باید»، ناگفته پیداست که مقررۀ مندرج در این ماده در زمرۀ قوانین آمره است (صالح احمدی، ۱۳۹۷: ۴۲).

تفهیم اتهام یکی از حقوقی است که قانون برای متهمان به رسمیت شناخته است. منظور از تفهیم اتهام نیز فقط ذکر عنوان قانونی جرم نیست، بلکه منظور تشریح عمل به‌نحوی است که متهم بفهمد (فرهی، ۱۳۹۶: ۸۳). منظور از «تفهیم اتهام»، تفهیم عنوان قانونی نیست، بلکه تفهیم رفتار است. از یک سو، همه متهمان حقوق دان نیستند تا معنای عناوین قانونی را بدانند و از سوی دیگر، بر سر عناوین مصرح قانونی نیز میان حقوق دانان اشتراک و وحدت نظر وجود ندارد (یوسفی، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷).

تفهیم اتهام واقعی می‌بایست از سوی مقام قضایی صورت گیرد و از اقدامات خاص قضایی به‌شمار می‌آید. در سیستم قضایی ایران، ضابطان دادگستری بدون اجازه نمایندگی یا بدون موافقت مقامات قضایی از چنین صلاحیتی برخوردار نیستند. قانون آیین دادرسی کیفری به این نکات مهم و ارزشمند توجه نکرده‌اند و تفهیم اتهام را از



کتابخانه ملی و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

وظایف ضابطان دادگستری دانسته‌اند که خطا بودن آن آشکار است. بنابراین، حق تفهیم اتهام یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه است که در موازین حقوق بشری و قوانین داخلی ایران به رسمیت شناخته شده است. این حق نه تنها ابزار دفاع متهم را تقویت می‌کند، بلکه از سوءاستفاده‌های احتمالی و نقض حقوق انسانی جلوگیری می‌کند. با وجود چالش‌های موجود، اصلاح رویه‌ها و انطباق بیشتر با استانداردهای بین‌المللی می‌تواند زمینه تحقق بهتر این حق در نظام حقوقی ایران را فراهم آورد.

## ۷. حق تشکیل پرونده شخصیت

تشکیل پرونده شخصیت برای متهم یکی از اقدامات اساسی در جهت تضمین دادرسی عادلانه و فردی‌سازی مجازات‌ها است. این پرونده شامل اطلاعات جامعی درباره وضعیت روانی، اجتماعی، اقتصادی، و پیشینه متهم است و به مقامات قضایی کمک می‌کند تا درک دقیق‌تری از شرایط فرد داشته باشند. در موازین حقوق بشری، حق تشکیل پرونده شخصیت در راستای رعایت اصل کرامت انسانی، عدالت کیفری، و پیشگیری از صدور مجازات‌های نامتناسب مورد تأکید قرار گرفته است.

ماده ۱۶ از مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال، بر ضرورت تشکیل پرونده شخصیت جز در مورد اتهامات جزئی اطفال و نوجوانان، در طول جریان تحقیقات و دادرسی تصریح کرده است. پرونده شخصیت، حاوی گزارشی از اظهار نظر متخصصان روان‌شناس کودک، پزشک، روان‌کاو و مددکار اجتماعی، در زمینه وضعیت روحی و روانی، جسمی، شرایط و موقعیت خاص اجتماعی و خانوادگی اطفال و نوجوانان تحت پیگرد قضایی است (سپیانی، ۱۴۰۰: ۹۹).

ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی کیفری از پیشنهادهای مکتب دفاع اجتماعی نوین در اوایل نیمه دوم قرن بیستم است. این پرونده به دلایل آغاز اقدامات بشردوستانه، یا انسانی کردن دادرسی کیفری در راستای تطبیق هرچه بیشتر و امکان تطبیق احکام دادگاه‌ها با واقعیات‌های انسانی و اجتماعی پیش‌بینی شده است. پرونده شخصیت متهمان گزارشی از وضعیت و شرایط خاص جسمی، روانی و اجتماعی متهمان است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷).



در نظام دادرسی ایران، برای اولین بار، موضوع «تشکیل پرونده شخصیت» در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، مصوب سال ۱۳۳۸، که در زمان خود از جمله قوانین مترقی محسوب می‌شد، مورد تصویب قرار گرفته بود. در حال حاضر، هم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، و هم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، موضوع تشکیل پرونده شخصیت را مدنظر قرار داده‌اند (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۴۷).

رفته‌رفته اهمیت بررسی شخصیت افراد در مرحله تحقیقات مقدماتی (متهمین) نیز احساس شد، لذا مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تشکیل پرونده شخصیت را در جرایم مهم افراد بزرگسال (ماده ۲۰۳) و جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ اطفال و نوجوانان (ماده ۲۸۶) الزامی نمود و حتی مقرر نمود که یکی از مندرجات کیفرخواست باید خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم باشد (بند چ ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری). رئیس قوه قضاییه نیز در راستای تأکید بر اهمیت تشکیل پرونده مزبور در رسیدگی‌های کیفری، در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم را ابلاغ نمود.

بنابراین حق تشکیل پرونده شخصیت یکی از ارکان اصلی دادرسی عادلانه است که می‌تواند به صدور تصمیمات قضایی انسانی‌تر و مؤثرتر منجر شود. در حقوق ایران، این حق به رسمیت شناخته شده، اما هنوز در اجرا با مشکلاتی روبه‌رو است. با تطبیق بیشتر با استانداردهای حقوق بشری و اجرای اصلاحات لازم، می‌توان از این ابزار ارزشمند برای تضمین عدالت کیفری بهره بیشتری برد.

## نتیجه‌گیری

رعایت حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، نه تنها تضمینی برای عدالت کیفری، بلکه ابزاری حیاتی برای جلوگیری از وقوع خطاهای قضایی و حفظ کرامت انسانی است. این مرحله نخستین گام در فرآیند دادرسی است که در آن حقوق اساسی متهم می‌تواند به‌طور جدی در معرض خطر قرار گیرد. موازین حقوق بشری با تأکید بر اصولی مانند اصل برائت، حق دسترسی به وکیل، حق سکوت، تفهیم اتهام، و حق تشکیل پرونده شخصیت،



استانداردهایی جهانی را برای تضمین رفتار عادلانه با متهمان تعریف کرده است. در نظام حقوقی ایران، توجه به رعایت حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی از طریق قوانین مختلف، مانند قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین مرتبط دیگر قابل مشاهده است. باین حال، چالش‌هایی نظیر ضعف در اجرای قوانین، کمبود زیرساخت‌ها، و نبود آموزش کافی برای قضات و ضابطان قضایی، مانع تحقق کامل این حقوق شده است. در مرحله تحقیقات مقدماتی، رعایت حقوق متهم در چارچوب موازین حقوق بشری، اهمیت ویژه‌ای دارد. این حقوق با هدف تضمین عدالت، جلوگیری از تضییع حقوق انسانی و کاهش احتمال خطای قضایی طراحی شده‌اند. مهم‌ترین این حقوق در حقوق ایران عبارت‌اند از: ۱. حق دسترسی به وکیل، ۲. حق دسترسی به پرونده، ۳. حق سکوت، ۴. حق تماس با خانواده، ۵. حق دسترسی به پزشک، ۶. حق تفهیم اتهام و ۷. حق تشکیل پرونده شخصیت.

با تطبیق هرچه بیشتر قوانین و رویه‌های عملی حقوق ایران با موازین حقوق بشری، می‌توان گامی مؤثر در راستای تحقق دادرسی عادلانه و حفظ حقوق متهمان برداشت. اصلاحات قانونی، آموزش مستمر نیروی انسانی، و نظارت دقیق بر اجرای قوانین از جمله راهکارهای کلیدی برای نیل به این هدف هستند. به علاوه، تضمین رعایت حقوق متهم، علاوه بر تأمین عدالت کیفری، می‌تواند اعتماد عمومی به نظام قضایی را افزایش دهد و از وقوع خطاهای قضایی یا برخوردهای غیرمنصفانه جلوگیری کند. درنهایت، رعایت این حقوق در مرحله تحقیقات مقدماتی، نه تنها به نفع متهم، بلکه به سود کل جامعه است؛ چراکه رعایت کرامت انسانی و تضمین عدالت، رکن اساسی یک نظام حقوقی کارآمد و مشروع به شمار می‌رود.

## فهرست منابع

۱. احسان پور، سیدرضا و قلی پور جمنانی، فرامرز (۱۳۹۸). موانع، چالش‌ها و محدودیت‌های حق دسترسی به پرونده‌های قضایی، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال اول، شماره ۲.
۲. حبیب‌زاده، محمدجعفر و صادقی، ولی‌الله (۱۳۹۵). شناسایی و مدیریت حق سکوت



- متهم، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، شماره ۹۵.
۳. خالقی، علی (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۴. خالقی، علی (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۵. سالاری، حمیدرضا و حسینی، سیدعلیرضا (۱۴۰۱). بررسی تحلیلی حق معاینه پزشکی متهم در حقوق ایران و فرانسه، قرآن و طب، دوره ۷، شماره ۴.
۶. سپیانی، اکرم (۱۴۰۰). واکاوی و بررسی حقوق بزه‌کاری اطفال در قانون انگلستان و ایران، نشریه پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۲۵.
۷. صالح احمدی، سحر (۱۳۹۷). قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب آوا.
۸. صداقت‌نیا، داود و همکاران (۱۴۰۱). حق داشتن وکیل و دسترسی به پرونده در تحقیقات مقدماتی در فقه، حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره ۲، شماره ۵.
۹. عندلیب، محمد و آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۸). تحلیل حق حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران، فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۴.
۱۰. فرجی‌ها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۰). حق متهم برای مطلع ساختن اعضای خانواده خود نسبت به دستگیری و محل بازداشت، فصلنامه علمی کارآگاه، شماره ۱۶.
۱۱. فرهی، بابک (۱۳۸۶). مختصر آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران: طرح نوین اندیشه.
۱۲. فلاح‌نژاد، فاطمه و همکاران (۱۴۰۲). حقوق دفاعی متهم: حق سکوت و منع اجبار به خودمجرمانگاری؛ در سیستم عدالت کیفری ایران و جمهوری خلق چین، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱.



۱۳. فتحی، مرتضی (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی تفهیم اتهام در فقه اسلامی و حقوق ایران و غرب، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، مقالات آماده انتشار:  
<https://csiw.qom.ac.ir/article.html>. ۲۹۹۸
۱۴. کرامتی معز، هادی (۱۴۰۳). جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در جرم‌شناسی)، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. کوشکی، محمدحسن (۱۳۹۵). مهمترین نوآوریهای حمایتی و سازمانی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجموعه مقاله‌های علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۱۶. محبی، محسن (۱۳۹۰). حق دفاع و حق داشتن وکیل در اسناد حقوق بشری و حقوق داخلی، خبرنامه مدرسه حقوق کانون وکلای اصفهان، شماره ۶۳.
۱۷. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و جهانی، بهزاد (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی حقوق خانواده متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی در ایران و فرانسه، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۰، شماره ۶۹.
۱۸. مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹). پرونده شخصیت متهمان و ضرورت تشکیل آن در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۳.
۱۹. مهابادی، علی اصغر (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری کاربردی، تهران: انتشارات دوران‌دانشان.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵). جایگاه کانون وکلای دادگستری و وکیل در جامعه حقوقی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاریهای بین‌المللی، به کوشش دکتر حسین غلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۲۱. یوسفی، ایمان (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

